



کتابخانه تخصصی  
تاریخی سیاسی اطلاعات  
موزه عبرت ایران

آیه

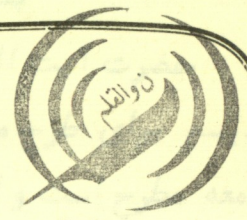
حجاب



مجاهد نستوه آیت الله سید محمود طالقانی

کتابخانه آنلاین «طالقانی»

ن و القلم  
شماره ثبت - ۵۹۲ -  
شماره تخصصی



کتابخانه تخصصی  
تاریخی سیاسی اطلاعاتی  
موزه عبرت ایران

# آیه حجاب

۱۱  
۱۴۰۰ / ۴ / ۱۳  
امیدکن شد

۲۲۳۹۲۶

اهدائی  
موزه عبرت  
در تاریخ ۱۳۹۹/۴/۱۳



کتابخانه آنلاین «طالقانی و مانه ما»

مجاهد نستوه آیت الله سید محمود طالقانی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله خلیلی خوشوقتیم که بار دیگر مزاحم شدیم برای طرح مساله بسیار مهمی که در این روزها در جامعه مطرح است و آن اینکه روز گذشته از قول امام خمینی منتشر کردند که زنان میتوانند در اداره ها کار کنند ولی با حجاب اسلامی و امروز این توهم و تصور برای عده‌یی از زنان پیش آمده بود که باید با حجاب باشند و اگر حجاب نداشته باشند نمی‌گذارند در ادارات کار کنند. نظر شما در این باره چیست؟ آیا منظور امام خمینی این بوده که زنان باید با حجاب وارد ادارات بشوند یا اینکه نظر دیگری داشته‌اند و به چه شکل باید عمل بشود؟ خواهش می‌کنم در این مورد توضیحی بفرمائید.

من مجالی نیافتم تا متن بیان امام خمینی را در روزنامه‌ها ببینم ولی مسلماً "نظر امام هم به مصلحت زنان ما و خواهران ما و دختران ماست و هم مطابق موازین اصولی اسلام است."

آیه حجاب  
آیت الله سید محمود طالقانی  
ناشر: انتشارات ناس

هم ایشان هم ما در این حرکت انقلابی همیشه نسبت به سهم بزرگی که زنهای ما در این انقلاب داشتند قدر دانی کردیم و واقعا "هم یک سهم بزرگی دارند و در این حرکت تاریخی باید نام اینها در این فصل تاریخی مثل اوایل مشروطیت در تاریخ ما ضبط و ثبت شود. وقتی که همه این ملت - زن و مرد - حضرت آیت الله خمینی را یک پدر رئوف و مهربان و فداکار برای نجات این ملت میدانند قطع نظر از مسایل دیگر - واجب است که نصایح ایشان و راهنمایی های ایشان را - که به خیر هر طبقه بی، هر گروهی، از زن و مرد در این راهنماییهاست - بپذیرند و تصور نکنند که اگر مساله بی ایشان مطرح کردند خدای نخواستہ به زیان و ضرر و نادیده گرفتن حقوق چه زن چه دیگر طبقات است. اگر بخواهیم مساله حجاب را از جهت اسلامی و از جهت ملی بحث کنیم یک مساله سنتی و تاریخی است که در عمق تاریخ ما و تاریخ شرق همیشه زنهای ما دارای یک نوع حجاب بوده اند، حجاب به معنای عامش، نه مخصوص به چادر و وضع خاص، یعنی حفظ عفاف حفظ وقار و شخصیت زن همیشه در ایران و در کشورهای شرقی - اسلامی و غیر اسلامی - بوده. شما ملاحظه می کنید که زنهای هندوستان با اینکه مسلمان نیستند برای حفظ سنت اصیل ملی خودشان

اکثرا " دارای یک حجابی هستند، که مظهر کامل زنان متمدنی و مدبر و سیاستمدار شرق خانم گاندی است. این خانم گاندی میدانید از جهت قدرت سیاست و اداره یک کشور وسیع با آنهمه اختلافات قومی و مذهبی، سالها توانست این کشور را اداره کند و آبروی هند را نگه دارد و استقلال هند را حفظ کند و مورد احترام همه سیاستمداران دنیا بود و من کمتر در روزنامه ها عکس این خانم را بدون روسری دیده ام، با اینکه مسلمان هم نیست. و هیچ کس هم اینرا اهانت نمی داند در باره خانم گاندی و همه به شخصیت او احترام می گذاشتند به سنگینی، به وقار، به حیثیت، به قدرت اداره او، حالا اگر در داخل هند اختلافاتی با او بوده ما نمی خواهیم دخالت کنیم در امور داخلی دیگران یا بحث کنیم، ولی واقعا " مورد احترام همه دنیا بود و هنوز هم هست و این شخصی است غیر مسلمان و می بینیم برای حفظ سنت خودش، روسری اش همیشه سرش بوده و به این جلفی ها و سبکی ها و کارهایی که در غرب معمول است و به شرق متأسفانه سرایت کرده، در تمام مجامع و مجالسی که میرفت شرکت نمی کرد. جزو برنامه عمومی رفت و آمدهای شخصیت های سیاسی دنیا این است که عده بی شب نشینی هایی مجالس رقصی داشته باشند ولی هیچ وقت شنیده نشد این خانم شرکت کند. بنا

براین می‌خواهم عرض کنم که اشتباه می‌کنند خانمهای ما که اگر یک روسری به سرشان بپندازند از حیثیت شان کم خواهد شد. از شخصیت شان کاسته خواهد شد، نه، بلکه قطع نظر از مسلمان بودن، حافظ سنت شرقی هستند و این حفظ سنت شرقی اصالت است. اگر یک کشوری بخواهد مستقل باشد معنی اش این نیست که دروازه‌هایش را محدود کند بروی دنیا، این است که سننش را حفظ کند، معارفش را حفظ کند، شخصیت‌هایش را حفظ کند، این است معنای استقلال واقعی متأسفانه این نحوه بی‌حجابی که در این سالیانی که از زمان رضا شاه تا به حال پیش آمده، بر اکثر زنهای مسلمان تحمیل شده و رضا شاه یا در اثر برنامه‌های استعماری خواست زنهای ما را سبک و خفیف کند و به جلافت و بی‌بندوباری بکشاند همانطور که برنامه عمومی استعمار است که زن و مرد را سرگرم شهوترانیها، خوشگذرانیها و عیاشیها بکنند برای اینکه بتوانند کارشان را پیش ببرند - یا از جهت عوامیش بود، خیال میکرد که همین قدر که لباسها را کوتاه کرد، مردم ایران کت و شلوار که پوشیدند شاپو که گذاشتند، زنهای بی‌حجاب آمدند دیگر ما ترقی کردیم و ملاک ترقی را همین چیزها میدانست. کار رضا شاه همین بود خیال میکرد دنیای غرب که پیشرفت کرده، ترقی کرده در علم و صنعت و قدرت و

اقتصاد و سیاست، برای این است که زنهای بی‌حجاب هستند و مردها شاپو میگذارند و کت و شلوار دارند و ما ایرانیها نداریم بعد هم اگر کسانی که آن زمان یادشان هست می‌بینیم که به چه وضعی مامورین و شهربانیها و پاسانها را انداخت به جان مردم، کلاه مردم را برداشتند، عمامه‌ها را پاره کردند، لباسها را قیچی کردند، چادر از سر زنهای برداشتند، روسری شان را پاره پاره کردند برای اینکه بگویند ما مترقی هستیم و دنبال آن چی شد؟ بعد از آن دیدیم که گروهی از زنهای ما را کشاندند به غرب زدگی، به جای پیشرفت علمی و سیاسی و آگاهی و وظایف و مسوئلیتهایی که باید به عهده بگیرند ریختند توی ادارات و وزارتخانه‌ها، و مجلس شورای ملی و حزب رستاخیزی که درست کردند و چه مفاسدی بار آمد از این. ما نمی‌خواهیم بگوئیم که زنهای بی‌حجاب توی ادارات نروند و هیچ‌کس هم نمی‌گوید. زنهای بی‌حجاب فعال اجتماع ما هستند بخصوص زنهای مادر چنین مرحله انقلاب که واقعا "من وقتی از زندان بیرون آمدم همه قشرها بخصوص زنهای ما - آنطور که به چشم من آمد - خیال میکردم اینها زنهای دیگری غیر از زنهای سه چهار سال قبل هستند، کسان دیگری هستند، فرشته‌های پاک و پر مسوئلیتی هستند که با همین روسری و چادرشان مشتها را گره کردند، مثل شیر توی خیابان فریاد

کشیدند و در مقابل رژیم ایستادند و کشته دادند و انقلاب را اینها به ثمر رساندند. چی بودند این زنها؟ همین زنهایی که دائما " به خود آرایی و مصرف کردن و خودنمایی توی خیابانها و توی ادارات و وزارتخانه ها مشغول بودند. این روح انقلابی در بین زنهای ما باید حفظ شود و باید اینها همیشه این روح انقلابی را داشته باشند و این منوط به این است که زنهای ما به آن تجمل پرستی ها و آن ابتدالهایی که کشانده شده بودند برنگردند، اصل مطلب این است، و نباید هم برگردند اگر این انقلاب باید ادامه پیدا کند. وقتی که ما این اصل را در نظر بگیریم می دانیم که خطری که خانمها حس می کنند خیال می کنند که گفته امام خمینی یا علمای دین این است که آنها توی خانه هاشان بمانند و توسری خور باشند و مهجور بمانند، ولی خطری که ما حس می کنیم این است که اینها را دو مرتبه به ابتدال بکشانند، حالا این حجاب اسلامی یعنی حجاب وقار، حجاب شخصیت ساخته من و فقیه و اینها هم نیست، نص قرآن است، آنقدری که قرآن بیان کرده نه ما میتوانیم از این حدود خارج شویم نه زنهایی که معتقد به این کتاب عظیم آسمانی هستند که حکمت للعالمین است. هر سوره اش به نام دو گونه رحمت خدا آغاز می شود. بسم الله - الرحمن - الرحيم. چندین سوره برای حقوق

زنها و حدود زنهاست. سوره نساء، سوره نور، سوره نور اساسش پاکسازی داخل خانواده هاست و پاکسازی زنها و مومنات است. آنها که متعهدند، آنهايي که مسئولند، آنهايي که در خدمت انقلاب هستند، يعني همانطوریکه آسمان و زمين مظهر نور خداست "الله نور السماوات و الارض مثل نورة کمشکوۃ فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجۃ گانها گوگب دری... (۱)

این نوری که در هر ذره ای و در هر قسمتی از جهان متلاً است باید از خانواده های ایمان، نور صفا، نور علم، نور ایمان، نور محبت، نور رحمت متللاً شود و ظاهر شود. این نور از کدام خانه هاست؟ از واحد خانه هایی که باید پاکسازی شود. بعد همین آیه در قسمتهای آخر سوره نور است که چه جور باید پاکسازی شود: قل للموءمنین یغضوا من ابصارهم ویحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون و قل للمومنات... (۲)

اگر بخواهند تزکیه شوند مردان موءمن از چشم چرانی از شهوت پرستی باید چشم بپوشند همینطور زنهای موءمنه: و قل للمومنات یغضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن (۳)  
به زنان موءمن یعنی زنان متعهد، زنان مسوءل، زنانی

که با خدا و با ملت، ملت مسلمان تعهد دارند بگو چشم پوشی کنند، عفاف خود را حفظ کنند: و یحفظن فروجهن ولا یبدین زینتهن.

زنان مسلمان ما، زنان مملکت ما تا چندی قبل که امیدواریم بعد از این نباشد چی بودند؟ در خانه که باید برای شوهرشان خودشان را آرایش کنند هر جور لباس کهنه و گرد و خاکی (می پوشیدند) وقتی میخواست برود به خیابان سبزی بخرد یا برود به فلان اداره دو ساعت باید توالت بکند. قرآن میگوید اینرا به عکسش کنید، توی خانه خودتان را هر چه میخواهید آرایش کنید ولی در بیرون همدوش مرد باشید شخصیتتان را ظاهر کنید.

### ولیضربن بخرهن

خمار همان روسری بوده که در همه دنیا معمول بوده زنها داشته اند دامنه روسری گاهی آویخته می شد. سینه و گلو و محل زینت آشکار می شد. در مدینه منوره زنها گاهی بی توجهی میکردند - زنها آزاد - دامنه های خمارشان را باز می گذاشتند و سینه و محل های محرک آشکار می شد، جوانها اینها را تعقیب میکردند و متلک می گفتند مثل حالا و اینها را خیال میکردند برده هستند چون برده ها اینجور بیرون می آمدند سر و پای لخت که مورد تعقیب و تحقیر جوانها

بیرون می آمدند. سر و پای لخت که مورد تعقیب و تحقیر جوانهای بی بند و بار بودند. آیه حجاب همین است. پس آیه حجاب برای چیست؟ برای شخصیت دادن به زنهاست شخصیت انسانی اش، شخصیت ملی اش. در کشورهای ما. اگر ما میخواهیم سرتاپا مقلد باشیم خوب بشویم هر چی میخواهیم بشویم، اما اگر بخواهیم همانطوریکه به خودمان برگشتیم به خودمان رجوع کردیم، به فرهنگمان بخواهیم برگردیم و قدرتمان میخواهیم از خودمان باشد، استقلالمان از خودمان باشد، سنتهای خوبمان را هم باید زنده کنیم، این از جهت سنت و اینهم از جهت آیه، ولی آیا این مانع از این است که کار اداری داشته باشیم؟ نه. مانع از این است که کار فرهنگی داشته باشیم؟ نه. به شرطی که در راه خدمت باشد. انسان دارای یک غرایزی است این غرایز یک مقدار بیش صادق است مثل گرسنگی و شهوت و دیگر غرایزی که دارد. این، خود بخود انجام می گیرد.

یک مقدار غرایز کاذب است، تحریک بیشتر از حد است اسلام میخواهد این تحریکات بیش از حدی که اخلاق انسان جسم انسان، اراده انسان، تقوای انسان را می گیرد میخواهد نباشد، جلوش یک مانعی باشد، علاوه بر این مسأله، مسأله اقتصادی است. زنها ما، آن زن بیچاره بی که معلم است

یا در خدمت ادارات است، حقوقی که میگرفت، میدانید چقدر از این حقوقش را مصرف تزئینات و آرایش و پیرایش خودش میکرد؟ برای اینکه چند ساعت برود توی اداره. روی رقابت، او میدید او آرایشش بیشتر است، فردا این بیشتر پول خرج میکرد. این میدید او بیشتر است، او مدش چه جور است این عوض میکرد. باید اگر ما انقلاب می‌کنیم همه اینها را دور بریزیم. ما، اسلام، قرآن، مراجع دینی میخواهیم زنهای ما شخصیت شان حفظ شود، اصل مسأله این است هیچ اجباری هم در کار نیست. مسأله‌ی چادر هم نیست. مگر در دهات ما از صدر اسلام تا به حال زنهای ما چه جور زندگی میکردند؟ مگر چادر می‌پوشند؟ این زنهای زحمتکش ما، این زنهای خدمتگزار ما، دهات ما، کردستان ما، مازندران ما، ایلات ما همه یک روسری می‌بستند، دوش بدوش مردها کار میکردند، مگر کار منحصر به اداره رفتن و پشت میز نشستن است؟ اینهم کار است، کار اصیل هم همین است، آن کار تحمیلی است، کار مصرفی است این کار تولیدی است و اینها الان هم دارند همان کارها را می‌کنند برنجی که ما میخوریم، گندمی که ما میخوریم و سایر تولیدات زراعتی ما یک قسمت به عهده زنهای ماست که متأسفانه به آنها بیشتر ظلم شده تازنهای شهری اسلام هم به این راضی نیست که مردها بروند بنشینند

توی قهوه خانه ها و در مازندران و کردستان و اینها و زنهای بروند توی جنگلها، توی مزارع، توی برنج کاریها. چرا ملاحظه حقوق آنها را نمی‌کنید؟ معذالک عفتشان را حفظ میکردند، بچه هاشانرا هم تربیت میکردند. کانون خانواده شانرا هم گرم نگه میداشتند. یک زندگی با صفا، با همت با همکاری با مردها و تولید. همه‌اش ما خیال می‌کنیم زنهای منحصراًند به یک مشت زنهایی که توی شهر ریخته‌اند و دائماً "میخواهند مصرف کننده باشند و توی ادارات و اینها را پیر کنند. خوب بروید با آنها همکاری کنید اگر واقعاً راست میگوئیم ما البته یک عده ای از زنهای، اینها باقیمانده ها و تفاله های رژیم منحنط پهلوی هستند که دیگر زنهای مبارز ما را دارند تحریک می‌کنند. میگویند به ما اهانت می‌شود. چه اهانتی می‌شود؟ اینهمه تجلیل شده از زنهای ما. باز تکرار می‌کنم سهم بزرگی در این انقلاب زنهای ما دارند و تاریخ باید سهم اینها را ضبط کند. پنجاه سال زنهای توی ادارات بودند و می‌دیدیم چه اشتغالاتی داشتند. آیا اسمشان توی تاریخ بود، ضبط می‌شد؟ چقدر ساقط شدند از حیثیت و شرافت و عفت. چه کانونهایی بهم خورد. ما نمی‌خواهیم به آنجا برگردیم. آنها هم نباید راضی باشند. همین زنهایی که من به مناسبتی از اینها قدر دانی بکنم: بعد از آنکه این چند روزه فرصتی پیش



آمد به یکی دو تا از این بیمارستانها سرزدم و از مجروحین و تیرخورده‌ها عیادتی کردم و سرکشی از آنها کردم. وقتی پرسیدم این خانمهای پزشکیارها می‌گفتند اینها قدرشان مجهول است در این مملکت، همانها که وقتی ما می‌رفتیم می‌دیدیم جز آرایش و خودنمایی و خود آرایی و نمایش دادن خود چیز دیگری نداشتند. به مریضها بی‌اعتنایی میکردند. به مریضها اهانت میکردند، گفتند شبها و روزها گذشت که این خانمها خوابیدند و دائماً "در فعالیت بودند و اصلاً" خودشان را فراموش کرده بودند این زن انقلابی است. دیگر ما نمی‌خواهیم زنهای ما به صورت سابق برگردند. اصل مساله همین است. اینرا باید توجه بکنند و الا مساله، مساله‌ی چادر نیست. مساله محدود کردن زن‌ها که بارها حضرت آیت الله خمینی، ما و دیگران گفتیم اگر به حساب موازین و حقوق اسلامی بسنجیم ما مردها از آنها طلبکار هستیم نباید آنها ادعای حق بکنند، ما باید ادعای حق بکنیم. بر مرد واجب است خرج زنش را بدهد، تعهد بکند با او بهترین رفتار را داشته باشد، با او بطور متساوی رفتار کند.

هرچه که از بیرون در می‌آورد - مردها همینطورند دیگر حقوقی که می‌گیرند میدهد به خانمها، مطالبه هم نمی‌کند جرأت هم نمی‌کند مطالبه کند. مرد کار کرده، زحمت کشیده،

جان کنده، به اداره رفته ولی پولها را باید بدهد به خانم بعد هم اگر نفشش هم در بیاید که مثلاً "این غذا چرا شور است یا چرا ترش شده دعوا در می‌گیرد.

ما می‌خواهیم خانه‌ها از این دعواها، از این نزاعها و از این اختلافات پاک شود و بین مرد و زن صمیمت وجود داشته باشد صفا باشد، یک مملکت مثل یک خانواده.

ما می‌خواهیم از این به بعد زن‌ها و دخترهای ما به سقوط کشیده نشوند.

ما می‌خواهیم دیگر "قلعه" در این مملکت نباشد که یک عده از زنهایی که فرزندان این مملکت و این کشوراند، به بدبختی گشانده شوند.

ما می‌خواهیم دیگر سر پز و توالت و ماشین و طرز لباس پوشیدن، جنگ داخلی بین مرد و زن نباشد. بهر حال منظورم بطور خلاصه این است که زنهای ما به عصر جاهلیت پهلوی شرک پهلوی و شرک خاندان سلطنتی که منشاء همهٔ مفاسد بودند برنگردند و همانطوری که مسوئلیت اسلامی و ایرانی خود را تا به حال بخوبی انجام دادند، ادامه پیدا کند. این است اصل کلی.

مساله حجاب یکی از مظاهر این حرکت و انقلاب است کسی در این راه پیمایی‌ها خانمها را مجبور نکرد که با حجاب

یابی حجاب بیایند هیچ طرفش مجبور نبودند ولی خودشان با احساس مسوءلت اسلامی که این لباس یکی از شعارهای اسلامی و ایرانی است، اصالت خودشان را نشان دادند و به دنیا فهماندند و مورد اعجاب دنیا هم قرار گرفتند. اما حالا اینک روسری سرکنندپانه، هیچ کس اجباری در این کار نکرده، ولی ما در خواست می کنیم، حضرت آیت الله خمینی هم اجباری و اکراهی به صورت اکراه بیان نکرده اند، ولی ما می خواهیم نشان بدهیم که در ادارات و وزارتخانه های ما تحول و انقلابی شده است. از این جهت منم درخواست می کنم که خانمها آلت دست واقع نشوند، هو و جنجال راه نیندازند و همانطور که بارها گفتیم همه حقوق حقه خانمها در اسلام و در محیط جمهوریت اسلامی محفوظ خواهد بود و ما از خانمها خواهش می کنیم که با لباس ساده و با وقار (سر کار حاضر شوند) روسری هم روی سرشان بپندازند به جایی بر نمی خورد، آنهایی هم که می خواهند مویشان خراب نشود. اگر روسری بپندازند مویشان بهتر محفوظ میماند.

همانطور که من آیه شریفه را تلاوت کردم می فرماید:  
ولیضربن بخرمهن علی جیوبهن ولا یبدین زینتهن الا لبعولتهن (۴)

بعد کسانی که زنهای می توانند زینت هایشان را در مقابل

آنها نپوشانند بیان می کند تا آخر آیه می فرماید لعلکم تفلحون راه رستگاری همین است که این روابط محفوظ باشد بین خویشاوندان و مردان غیر خویشاوند و اجنبی ها، چقدر پیش آمده که همین تحریکات شهوانی کاذب دخترها و پسرها را به سقوط کشانده. چه جنگها، چه قتلها، چه فجایع که تا یک سال قبل دائما "هر روز یک قسمت اخبار روزنامه ها مربوط به همین فجایع بود. منشاء اینها چی بود؟ ریشه اینها از کجا بود؟ غیر از همین تحریکات بیجا بود؟ واقعا "یک عده از زنها، جوانهای ما را اذیت میکردند، آنها هم یک عده شکایت داشتند که جوانها ما را اذیت می کنند. واقعا "جوانی که وسیله زن گرفتن ندارد. وسیله کار ندارد، زندگی و سر و سامان ندارد وقتی این زن را با این صورت می بیند که گاهی یک پیرزن ۵۰، ۶۰ ساله خودش را مثل یک دختر چهارده ساله نمایش میدهد، این اذیتش می کند، ناراحتش می کند و این یکجور آزار جوانهاست. امیدواریم بعد از این جوانهای ما سر و سامان پیدا کنند، زنها هم به وظایف اصیل خودشان بیشتر آشنا شوند و وظایف اداری، معلمی، پزشکیاریشان را با حواس جمع و قدرت فکری که همین تجمل پرستی ها و رقابتها مانع درست وظیفه انجام دادن است نباشد و بتوانند خوب انجام بدهند.

بسیاری از سوءالها را جواب فرمودید و توضیحات کافی گفته شد ولی چند نکته هست که امروز مطرح بود. یکی اینکه آیا اقلیت های مذهبی که اعتقادی به حجاب ندارند - مجبورند به علت اینکه شناخته نشوند یا به علت اینکه ظاهر را باید رعایت کنند - حجاب داشته باشند و اصولاً " در اسلام رفتار پیشوایان گذشته با این اقلیت ها چگونه بوده؟ در خلال صحبت ها این مسأله را گفتم که حتی اجباری برای زنهای مسلمان هم نیست. چه اجباری؟ حضرت آیت الله خمینی نصیحتی کردند، مانند پدری که به فرزندش نصیحت می کند راهنمائیش می کند که شما اینطور باشی به این سبک باشی بهتر میتوانی روح اسلام و سنت ایرانیت را متجلی کنی.

استقلال شخصیت ات را حفظ کنی. وقتی نسبت به آنها اینطور نیست چطور ما میتوانیم بگوئیم که اقلیت های مذهبی، مسیحی، زرتشتی، یهودی که اکثر اینها خصوصاً " یهودی ها و زرتشتی ها من برخوردارم می بینم روی همان سنن ایرانی که از قبل بوده مقید به حجاب اند، برای آنها هم اجباری نیست و در اسلام هم همیشه بارها گفتیم و گفتیم و عملاً " هم نشان دادیم حتی اقلیت هایی که به اسم مذهب هستند نه اینکه مذهب صحیح باشند، مذهب ساختگی، مذهب

استعماری، مذهب اسرائیلی بودند و اینها وسیله استعماری و جاسوسی بودند و ما جلوگیری کردیم که متعرض آنها هم نشوند، چه رسد به اقلیتهائی مانند زردشتی ها، یهودیها، مسیحی ها و دیگر اقلیتها که همیشه جزو این مملکت بودند مورد احترام بودند و فرقی نداشتند در زندگی اجتماعی و اقتصادی با دیگران و چه بسا وضع آنها از خیلی مسلمانها هم بهتر بوده در این مملکت خود یهودیها بعضی ها اعتراف می کنند، بعضی ها که به اسرائیل رفته اند و از آنجا فرار کرده اند، میگویند اینجا اصلاً زندگی ما براتر بهتر از اسرائیل است امکانات ما در اینجا بیشتر از هر جایی است.

در کتابی که "فرانتس فانون" نوشته بنام سال پنجم انقلاب الجزایر یا جامعه شناسی یک انقلاب مسأله حجاب را در الجزایر خیلی عمیق و بسیار جالب مطرح می کند و تجزیه و تحلیل کرده که زنان الجزایر بر اثر رشد انقلاب ایشان به نتیجه رسیده اند که باید شخصیت خود را بالا ببرند و نگذارند که آلت دست استعمار فرانسه بشوند و ما در راه پیمائی های گذشته هم میدیدیم که واقعا " عده یی از زنها با اینکه بی حجاب هستند ولی شعارهای اسلامی میدهند و عقیده به این حرکت و به این جنبش اسلامی دارند. آیا واقعا " میشود آنها را سهل انگار دانست یا اینکه بی عقیده و رفتاری

که نسبت به آنها میشود چگونه باید باشد اصولاً " این مربوط میشود به تلقی اسلام از زن که بر خلاف تبلیغات رژیم گذشته که میخواست چنین وانمود بکند که اسلام نظری توهین آمیز نسبت به زن دارد، و حجاب را برای این بوجود آورد که زن در خانه محبوس بماند و فعالیت اجتماعی نکند در شرایط کنونی انقلاب ما نسبت به این مسایل چه عکس العملی باید داشته باشیم؟

منظور کدام مسایل است یکی یکی بیان کنید:

یکی شخصیت زن و دیگری مسأله حجاب و ارتباطش

با مسایل اجتماعی و سیاسی و انقلابی.

همانطوریکه شما البته شاید با دقت بیشتر کتاب "فانون" را خواندید منمهم دیده ام که اساساً "میگوید که انقلاب الجزایر آنوقت اوج گرفت و پیشرفت که زن و مرد الجزایری که مدتها تحت نفوذ فرهنگ استعماری و روشها و لباسها و مدهای استعماری بودند، به خودشان برگشتند و شروع کردند ملیتشان را احیا کردن و همین زنهای الجزایری بودند که فهمیدند در آن وضع انقلابی بهترین وسیله هم برای نشان دادن شخصیت خودشان هم برای روابطی که با گروههای انقلابی مسلح دارند، همین است که با حجاب بتوانند این خدمت بزرگ را انجام دهند. این مسلم است که در تاریخ الجزایر هست شاید در

بین عموماً " کشورهای انقلابی خود بخود زنها به سنتها و روشهای خودشان برگشتند و از فرهنگ و تقلید بی جا که از کشورهای غربی و تقلیدهای وارداتی و کارهای وارداتی خودشان را توانستند رها بکنند برای اینکه گفتم استقلال معنایش این است که تمام معنا ما مستقل باشیم مستقل شدنمان این است که فرهنگمان و راه و روشمان را دو مرتبه پس از اینکه دو مرتبه تحمیل شد بما یا با زور و سرنیزه مثل زمان رضا خان یا بوسیله تبلیغات مثل زمان پسرش اینها را از خودمان شستشو کنیم و تزکیه کنیم و زنهای ما اگر انقلابی باشند باید بگویند که چون آنها به این وسایل و یا با این سلاحها با زور و فشار و با تبلیغات این نوع زندگی مد پرستی و خود آرائی و بی بندوباری را و خروج از سنن را بما تحمیل کرده اند، ما باید برگردیم به همان حال و آنهایی که بخواهند دو مرتبه آنها را احیا کنند که خیلی ها هستند آنها مطرود اجتماع هستند آن وضعیت آن شرایط یعنی مطرود این انقلاب هستند آنها باید برکنار باشند از این انقلاب آنها دائماً " راه مصرف یعنی راه دزدی راه رشوه راه بی بندوباری به روی مردم باز میگردند آنها را ما یک زن اصیل نه مسلمان، ایرانی هم نمی دانیم، و اما اینکه گفتید جوانهایی ممکن است متعرض بشوند که البته هیچ حق ندارند، من امروز (شنبه) از یکی از دبیرستانها بمن تلفن کردند راجع به همین

مسایل پیامی فرستادم برای دخترها و معلمه های دبیرستان گفتم شما بد فهمیدید ، برگردید سر کلاس ها این مسائل حل شدنی است ، عجله نکنید و بعد بمن گفتند که سر یک چهار راهی به یک خانمی کسی اهانت کرده من ناراحت شدم و گفتم حتما "تعقیب بکنید و ببینید این آیا از این مأمورینی است که خودشان را به کمیته ها منتسب می کنند یا یک کسی است که خواسته از این راه سوء استفاده کند و بخواهد چهره این انقلاب را خراب بکند و نارضایتی ایجاد بکند همانطور که بشدت عده یی مشغول هستند چه عوامل رژیم سابق ، چه عواملی که زیر پرده از جناح های غربی و استعماری و وابسته های به آنها و ساواکی هائی که دارند کار می کنند ، این کارها را می کنند با اسم انقلاب می گذارند .

برای اینکه یک جناح بزرگ انقلابی اصیل ما که زنهای ما باشند اینها را از انقلاب جدا کنند و بسوی نارضایتی بکشانند .

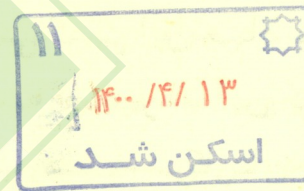
من سلام و درودم را بر زنها و خواهرانم و دخترانم که باز میگویم سهم بزرگی در این انقلاب داشته اند و باید هم این حق و سهم بزرگی که دارند ادامه بدهند ، به ثمر برسانند ، آلت دست تحریکات نشوند ، اغوا نشوند و وظیفه و مسئولیت خطیری که بیش از مسئولیت زندگی عادی و اداری

است که آگاهی و هشیاری خودشان و خصوصا " خانمهایی که در پست مهم و پر مسئولیت تعلیم و آموزگاری هستند و وظیفه یی سنگین نسبت به بچه های ما دارند ، وظایفشان را بخوبی انجام بدهند و هر مشکلی و هر مسأله یی پیش آمد ما در دسترس آنها هستیم و اجازه نمیدهیم کسی به اینها اهانت بکند . شاید قبلا خودم هم دلم میخواست به آن زنها ، با آن صورتها ، با آن وضعیات با آن جلافتها اگر اهانت کردند ، خیلی هم ناراضی نبودم ، ولی حالا اگر کسی بخواهد به یک زن ایرانی که در این جهاد مقدس شرکت کرده ، اهانت کند ، اهانت به همه مردم این کشور و به همه ایرانیها و به همه مسلمانها هست ، سرکارشان بروند و در ادارات هم سنگین ، با وقار مسئولیتشان را خوب انجام بدهند و از آرایش و پیرایش و اینها که خودشان هم خسته هستند من میدانم که چقدر تحمیل شده به آنها و چقدر ناراحت بودند و از این رقابت ها انشاله بپرهیزند و برای اطاعت از راهنمایی و نصیحت شخصیتی که همه قبولش داریم به پدری ، به دلسوزی برای این ملت گوش بدهند تا اگر مسایلی باز پیش آمده همانطوری که عرض کردم مشکلات فکری ، مشکلات عملی ما حاضریم آنقدری که قدرت داریم ، در دست ما هست بیاری خداوند و به همت این ملت شریف و این مردم مشکلات را حل کنیم و روز بروز

راهها بازتر بشود تفاهم بیشتر بشود نه بین زنها و مردها ،  
بین تمام طبقات تمام گروهها ، بین همه قشرها بیاری خداوند  
تبارک و تعالی از خداوند مسئلت می‌کنیم آن راهی که خیر  
این ملت و خیر این کشور و آینده این کشور است روز بروز  
بروی ما بیشتر بگشاید و ما را از لغزش و خطا حفظ کند .  
الحمد لله رب العالمین .



کتابخانه تخصصی  
تاریخی سیاسی اطلاعاتی  
موزه عبرت ایران



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»





کتابخانه تخصصی  
تاریخی سیاسی اطلاعاتی  
موزه عبرت ایران

## مجموعه ابوذر (۳)

از این مجموعه منتشر شده :

- ۱ - درسهایی از قرآن
- ۲ - خدا شناسی و فطرت
- ۳ - آیه حجاب

از این مجموعه منتشر میشود :

۴ - آزادی و استبداد

انتشارات ناس

ناصر خسرو - کوچه خدا بنده لو - پاساژ فرهنگیان - تهران - کتاب

۴۲۳۰۰

۲۰ ریال